



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

۱۷۰

برای

یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سردبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۰ - ۳۱ شهریور ۱۳۸۹



فقر و فلاکت گسترده گورستان رژیم اسلامی اتحاد و تشکل پاسخ طبقاتی

صفحه ۳

آذر ماجدی



یادداشت سردبیر

سیاوش دانشور

مردم قبض های آب و برق و گاز را نپردازید!
کارگران صنایع آب و برق و گاز نقش تان را ایفا کنید!

انتخابات سوئد

دمکراسی موش زانید!

قطعنامه حزب علیه گرانی و فقر!

پیام حزب اتحاد کمونیسم کارگری به مناسبت بازگشایی مراکز تحصیلی
دانشگاه پادگان نیست، حوزه نیست، زندان زنان نیست!

در انتخابات ۱۹ سپتامبر سوئد اتفاقی افتاد که رسانه ها آنرا "بمب بزرگ انتخابات" نامیدند: حزب فاشیستی دمکراتهای سوئد وارد پارلمان شد. این مسئله، یعنی وارد شدن یک حزب فاشیستی به پارلمان و همینطور معضل بلوک راست "پیروز" که اکثریت کرسیها را ندارد و نمیتواند دولت تشکیل دهد، جامعه سوئد را تکان داده است. نتیجه انتخابات سوئد همینطور واکنشهای وسیعی را در رسانه های دنیا به همراه داشت که از خود موضوع انتخابات سوئد بسیار فراتر میرود. تناقضات دمکراسی بار دیگر خود را دیکته میکنند. بن بست افق و چهارچوب سوسیال دمکراسی در بهترین نمونه آن بار دیگر زیر علامت سوال بزرگی قرار میگیرد. سیاستهای دست راستی سرمایه داری "شکوفه" جدیدی داده است. پیشروی فاشیستهای سوئد بار دیگر مسئله وجود احزاب فاشیستی در پارلمانهای کشورهای اروپایی را روی میز همه میگذارد. در خود جامعه سوئد، در میان کوه بحثها دو نگرش متفاوت خود را نشان میدهد؛ از یکسو احزاب پارلمانی هر یک به فراخور موقعیت امروزشان در مدح پیشروی و یا توجیه پسروی خود میگویند. از طرف دیگر و در بیرون این دنیای رقابت انتخاباتی این سوال مطرح میشود که پیشروی و پسروی شما به ورود حزب فاشیستی به پارلمان منجر شده است. سوئد به کجا میرود؟ چه اتفاقی دارد می افتد؟ عده ای نگران برخوردهای تند در جامعه هستند و هشدارها را شروع کرده اند.



احمدی نژاد شاه و مشایب هویدا!

صفحه ۶

سعید مدانلو

جنبش آزادی زن در ایران

صفحه ۷

گفت وگویی شهروند با آذر ماجدی

"دغدغه زندگی کارگران" یا استیصال دولت سرمایه داران

صفحه ۱۰

پدرام نو اندیش

مخمصه ای که حزب "حکمتیست" در آن گیر کرده است!

صفحه ۱۱

سیروان قادری

در صفحات دیگر: اعتراض و اجتماع کارگران برق، اعتراض کارگران اخراجی تابلیر، حقوقهای معوق کارگران شرکت موج آسا، عکسهائی از کارگران جانباخته، و ...

فردای بعد از انتخابات دهها هزار نفر در شهرهای استکهلم و گوتنبرگ و مالمو بطور

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

انتخابات سوئد دمکراسی موش زائید ...

میپذیرند و به خانه هایشان میروند؟ این سوال به احتمال زیاد پاسخ منفی است. در چنین صورتی باید شاهد دوره ای از کشمکش سیاسی حتی تند در پائین بود که صورت مسئله را باز نگه میدارد.

انتخابات سوئد یکبار دیگر نشان داد که میشود به طرق دمکراتیک نوادگان هیتلر و موسولینی در سیستم دمکراسی به قدرت برسند و یا در قدرت شریک شوند. راست افراطی و فاشیست محصول و یک جزو انگره سرمایه دای است. دمکراسی هر تناقضی دارد، تحمل و عدم تحمل راست افراطی تابعی از نیازهای سرمایه داری در هر دوره است. فاشیسم و راست افراطی با مقوله دمکراسی تناقض ندارد و دستکم از نظر قانونی روی دوش سیستم دمکراسی بالا می آید. حضور این جریان در قدرت سیاسی همواره معادل تشدید و تحول راسیسم نهادی سیاسی و اداری به راسیسم قانونی و خشن، گسترش فعالیت اوباش اسکین هد خیابانی، تهاجم به معیشت و امنیت طبقه کارگر و مهاجرین و بخشهای مختلف جامعه، و در موارد زیادی گسترش تروریسم و آدمکشی بوده است.

انتخابات سوئد در عین حال جامعه را تکان داده و سیاست را به سطح جدیدی برده است. سیاست از پوسته و چهارچوب کمپین های انتخاباتی بیرون آمده و به مسئله جامعه تبدیل شده است. همه شوکه اند و فضای اعتراضی موج میزند. تا زمانی که اطمینان خاطری نسبی بوجود نیاید، این نگرانی و تمایل به اعتراض خود را در اشکال متنوعی بیان خواهد کرد.

زمینه رشد جنبش قدرتمند ضد فاشیسم و ضد سیاستهای راست دولتهای سرمایه داری وجود دارد. در وضعیت کنونی، فقدان یک حزب سیاسی کارگری کمونیستی که لنگر رادیکالیسم اجتماعی باشد بشدت محسوس است.*

از طرق مکانیزمهای غیر دمکراتیک پس بزنند. یعنی بجای "تلرانس" و "تحمل فاشیسم و دیالوگ با آنها"، به نوعی از شرشان خلاص شوند و یا در صورت تحمل افسارشان را کنترل شده آزاد کنند. حضور فاشیستها در پارلمانهای کشورهای اروپایی مسئله ای قدیمی تر است و خود یک محصول راستگرایی دهه هشتاد، فروپاشی بلوک شرق و کشمکشهای سرمایه داری در دنیای بعد از جنگ سرد، دیکتاتوری و قدر قدرتی بازار، دور جدیدی از آدمکشی و جنگ و میلیتاریسم و تروریسم، بحران سرمایه داری و پیامدهای اجتماعی آن، و فقدان یک آلترناتیو قدرتمند کارگری در مقابل وضع موجود است. ورود فاشیستها به پارلمان سوئد حلقه ای از یک روند سیاسی وسیعتر در اروپا است.

چشم انداز آینده

مستقل از تمایل درونی و راست این یا آن حزب، بنظر نمیرسد با توجه به التهاب موجود در جامعه سوئد و بویژه نگرانی و ترس قدیمی تر هیئت حاکمه سوئد از شلوغ شدن جامعه، احزاب دو بلوک راست و چپ بخواهند وارد همکاری با حزب فاشیستی دمکراتهای سوئد شوند. چنین اشتباهی در این شرایط حکم خودکشی سیاسی را دارد. تمایل برخی از احزاب به "بحث و دیالوگ" با این "بمب بزرگ انتخابات" میتواند سرنخی به درجه ای از سازش و همکاری باشد اما این هنوز تا تشکیل دولت ائتلافی با آنها فاصله زیادی دارد. لذا شکستن ائتلاف های چپ و راست کنونی و ایجاد ائتلاف جدیدی در فاصله بیست روز پس از انتخابات برای تشکیل دولت مسئله اصلی است. هدف این ائتلافها مستقل از اینکه چه ترکیبی از احزاب را دربرگیرد، در بدترین حالت تشکیل نشدن دولت و برگزاری انتخابات جدید برای بیرون کردن راسیستها از پارلمان است و یا در بهترین حالت ایجاد بلوکی وسیع است که ضمن تحمل و حضور حزب دمکراتهای سوئد در پارلمان آنها را بدرجه ای خنثی سازد. و تمام سوال اینست اگر حالت دوم را احزاب پارلمانی انتخاب کنند، که تمایل اصلی تر آنهاست، آیا مردم و جامعه سوئد

برخورد میکند و آن را میپذیرد؟ و یا نه، راهی برای خلاص شدن از راست افراطی و برگشت تعادل قدرت به راست مرکز پیدا میکند؟ مردم هم بعد از چهار سال در انتخابات شرکت کردند و امروز دست شان به جانی بند نیست. نمیتوانند همین امروز بدلیل بحران کنونی نتیجه را لغو اعلام کنند و به اصطلاح "رای شان را پس بگیرند" و انتخابات جدیدی بگذارند. دمکراسی طبق تعریف میتواند با فاشیستها کنار بیاید اما چنین اجازه ای به رای دهندگان نمیدهد و در بسیاری تصمیم های اساسی مانند جنگ و غیره اساسا نظر مردم را نمی پرسد و به حساب نمی آورد.

به نظر من بستر اصلی بورژوازی، مستقل از اینکه دمکراسی چه میگوید، بطور کلی حضور راست افراطی و چپ افراطی را در چهارچوب دمکراسی پارلمانی نمیپذیرد. شاید ناچار شود دوره های خاصی با آن کنار بیاید و یا بنا به نیازهای سرمایه راسا راست افراطی را جلو بیاندازد اما این چهارچوب اصلی و متعارف حاکمیت سیاسی بورژوازی در جامعه غربی نیست. همینطور افکار عمومی در کلیت خود فاشیسم عریان را نمیپذیرد و پس میزند. لذا مردم ناچارند از صندوق رای به خیابان شیفث کنند، و در فقدان آلترناتیوی معتبر و متمایز، قدرت سیاسی را برای پیدا کردن راه خروج تحت فشار بگذارند. اگرچه در سالهای گذشته و در کشورهای مختلف برخورد متفاوتی از جانب هیئت حاکمه جوامع غربی به حضور احزاب فاشیستی در پارلمان ها شده است، اما در مجموع ناچار شده اند آنها را

خودجوش و اساسا با اس ام اس به خیابانها ریختند و علیه حضور فاشیست ها در پارلمان و تقابل با آنها اعلام آمادگی کردند. اگر حضور این جماعت در پارلمان ادامه یابد، جامعه سوئد وارد یکی از دوره های پر تحرک و میلیتانت اعتراض علیه فاشیسم بطور اخص و راست گرایی بطور اعم خواهد شد. همه جا نگرانی و بحث برسر وضع موجود قابل مشاهده است. پتانسیل وسیع و بالقوه ای برای تکان خوردن وجود دارد.



دمکراسی باز موش زائید. از طرق دمکراتیک و بدون تقلب در انتخاباتی که قریب ۸۲ درصد رای دهندگان در آن شرکت داشتند، یک حزب فاشیستی وارد پارلمان شده است. همان شب بلوک راست پیروز که اکثریت ندارد از زبان نخست وزیر کنونی فردریک رایفلد رهبر حزب مدرات های جدید اعلام کرد که با حزب ضد خارجی دمکراتهای سوئد به هیچ وجه همکاری نمی کند و برای جلب همکاری حزب محیط زیست برای تشکیل دولت ائتلافی تلاش میکند. سرنوشت دولت هرچه بشود، سوال مهمتری مطرح است که ویژه سوئد نیست بلکه قدیمتر است و در اروپا نمونه های آن در فرانسه ایتالیا، بلژیک، هلند، دانمارک و غیره وجود داشته است. آیا دمکراسی در قبال ورود احزاب فاشیستی به پارلمانها و خیز برای کسب قدرت و تشکیل دولت، به طرق تلرانس و پایبندی به اصول دمکراسی



آنر ماجدی

فقر و فلاکت گسترده گورستان رژیم اسلامی اتحاد و تشکل پاسخ طبقاتی

کنند. البته اکنون یک بهانه خوب نیز بدست شان افتاده است: گرانی و فقر را به پای تحریم های بین المللی بنویسند. اما مساله اینجاست که طبقه کارگر و مردم هشیار تر و از این رژیم منزجر تر از آن هستند که هیچیک از این بهانه ها را بپذیرند.

این بحران در یک دنیای آرام و بی طوفان رخ نداده است. خیزش عظیم مردم و اعتراضات میلیونی علیه رژیم، علیرغم شکنجه های وحشیانه، تجاوز و اعدام، سخن از یک بحران سیاسی عمیق می گوید. مردم از کمین های خود بیرون آمدند تا انزجار خود را از این رژیم اعلام کنند. سرکوب خشن یک سال اخیر نتوانسته است مبارزات و اعتراضات مردم را از نفس بیاندازد. اعتراضات کارگری و تلاش برای تشکل کاملاً مشهود است. هنوز رژیم باید با حبس کردن نفس در سینه به استقبال روزهایی که سنتا تجمع مردم را در بر دارد، برود. هراس رژیم از مردم بیشتر از هراس مردم از رژیم است.

اختلافات میان جناح حاکم رژیم بیانگر تشدید و تعمیق این بحران سیاسی است. پیش از این جناح هار حاکم در مقابل جناح اصلاح طلبان حکومتی، موسوی، کروبی، خاتمی و شرکاء متحد ظاهر می شد. اکنون اختلاف و تفرقه در جناح حاکم تعمیق شده است و به جان هم افتاده اند و پاچه یکدیگر را در انتظار عموم گاز می گیرند. در چنین شرایط آشفته و نزاع درونی، می خواهند گرسنگی و فقر بی سابقه را به مردم تحمیل کنند. نخواهند توانست!

با دریافت آخرین قبوض برق، سر و صدای اعتراض مردم و امتناع از پرداخت قبوض بلند شد. عده ای

صدور این میبالغ به بانک های خارجی از دویی و اندونزی تا سوئیس و آلمان یک آشفته گی کامل را بر کشور حاکم کرده است.

رژیم آدمکش اسلامی با وقاحت کامل بار این بحران عنان گسیخته اقتصادی را بر سر مردم خالی کرده است. با این کار دو هدف را دنبال می کند. اول، مثل هر رژیم سرمایه داری دیگر عمل می کند و هزینه بحران را از جیب خالی کارگران و مردم زحمتکش بیرون می کشد؛ استثمار بیشتر، فقر افزون تر، گرسنگی و تبعیض صد چندان را بر این انسان ها تحمیل می کند تا بحران را از سر بگذرانند. دوم، در شرایطی که مردم بشکل میلیونی اعتراض خود را به این رژیم نشان داده اند و تمام مقدسات ایدئولوژیک و ارزشی این نظام را به سخره گرفتند و به آتش کشیدند، با تحمیل شوک گرانی و فقر می کوشد کارگران و مردم را از نظر سیاسی و اعتراضی خلع سلاح کند. آنچنان گرسنگی به آنها تحمیل کند که رمق اعتراض در آنها باقی نماند. آنچنان آنها را دنبال یک لقمه نان برای خود و کودکانشان بدواند که فرصت یک لحظه فکر و اندیشه و جمع آوری نیرو برای اعتراض را نیز نداشته باشند.

این بخشی از مردردنی اسلامی - آخوندی این رژیم است. "هدفمند کردن یارانه ها" یک کلاه بزرگ است که قرار است سر مردم زحمتکش بگذارند و باین ترتیب لقمه نان خالی را نیز از سفره آنها دریغ

ابعاد فقر و فلاکت در جامعه بی سابقه است. گرانی مواد اصلی، خواربار، برق، ایاب و ذهاب و بنزین بیداد می کند. در چند ماه اخیر قیمت تمام اقلام چندین برابر شده است. مردم هنوز در شوک افزایش چند برابری اجناس، بویژه هزینه برق قرار دارند. به این گرانی سرسام آور، بیکاری وسیع میلیونی بدون بیمه بیکاری، حقوق های زیر خط فقر و عدم پرداخت چند ماهه دستمزدها را اضافه کنید تا تصویر فقر و فلاکت توده ای در ایران کامل شود.

دنیای سرمایه داری در بحران عمیق ادواری خود دست و پا می زند. گرسنگی و فقر در گوشه و کنار جهان چهره کریه نظام سرمایه داری را بیش از پیش به نمایش می گذارد. در کشورهای "توسعه یافته" بیکاری و فقر بیداد می کند. بیلیون ها دلار از بودجه های اجتماعی و رفاه عمومی زده شده است. دولت های سرمایه داری با وقاحت و خشونت زائدالوصفی به جان سفره های بی رمق مردم افتاده اند. بیمه درمان و بهداشت، آموزش و پرورش، کمک به معلولین و خانواده های تک سرپرست همه زیر چاقوی جراحی دولت های سرمایه داری رفته است.

بحران سرمایه داری بین المللی دامان ایران را نیز گرفته است. اما باید بیاد داشت که ایران پیش از آن هم در بحران اقتصادی غوطه ور بود که اکنون در اثر وقوع بحران جهانی ابعادی بسیار عمیق تر یافته است. بعلاوه، تحریم اقتصادی نیز بر ابعاد آن افزوده است. بحران سیاسی نظام ابعاد بحران اقتصادی را حتی وسیع تر کرده است. فساد و دزدی هر جوجه پاسدار و آخوند و

صریحا گفته اند که این قبوض را پرداخت نخواهند کرد. مسخره است، یک خانواده روستایی که پیش از این قبض پنج هزار تومانی دریافت می کرد، اکنون یک قبض به مبلغ پانصد هزار تومان گرفته است. باید این نجوای "پرداخت نمی کنیم" را به یک صدای رسا و متحد تبدیل کرد. مردم باید از پرداخت قبوض برق خودداری کنند. این یک پاسخ محکم به زورگویی ها، بخور و سرکوب این رژیم کثیف است. اگر اکثریت مردم از پرداخت قبض برق امتناع کنند، رژیم هیچ غلطی نمی تواند بکند.

برای محکم کردن صف اعتراضی مردم در مقابل رژیم، کارکنان صنایع برق باید از قطع برق مردمی که قبض شان را پرداخت نکرده اند، خودداری کنند. باین شکل صف طبقاتی کارگران نیرو در کنار مردم کارگر و زحمتکش در مقابل نظام قرار می گیرد. رژیم اسلامی بهیچوجه قادر به مقاومت در مقابل این صف متحد و متشکل عملی است. هم طبقه ای های ما در آفریقای جنوبی دقیقا چنین تاکتیکی را در مقابل دولت بکار می بندند. زمانی که سازمان برق تصمیم به قطع برق خانواده ی زحمتکشی که از پرداخت قبض برق ناتوان بوده است، می گیرد، کارکنان برق از انجام دستور خودداری می کنند و بعضا برق خانه هایی را که قطع شده است به ابتکار خود وصل می کنند. چنین اتحاد طبقاتی برای عقب نشاندن رژیم سرمایه داران و کلاشان اسلامی ضروری است و تنها پاسخ واقعی

فقر و فلاکت گسترده گورستان رژیم اسلامی ...

و عملی است.

تنها راه مقابله با این فقر و فلاکت گسترده، نجات میلیون ها کودک خیابانی و کار، و برخورداری از یک زندگی انسانی و مرفه، اتحاد طبقاتی و مقابله متشکل و متحد با رژیم اسلامی است. باید این رژیم را به زیر کشید. باید در مقابل این نظام متحد و متشکل شد. رژیم اسلامی صفوف متفوق ما را می تواند از هم بپاشد و سرکوب کند، اما در مقابل صفوف متحد و متشکل ما قادر به مقاومت نخواهد بود.

تشکیل شوراهای کارگری در محل کار تنها سلاح ما علیه تشدید استثمار، کاهش دستمزد و دفاع از حقوق حقه مان است. شوراهای کارگری باید به یک رکن اصلی مبارزه علیه فقر بدل شوند. باید شوراهای محلات و شوراهای سرخ ها را توسط جوانان انقلابی و چپ تشکیل داد و کوشید تا مردم را وسیعاً در این شوراها متشکل کرد. این شوراها باید علیه گرانی و فقر مبارزه کنند. باید پرچم مبارزه با فقر و فلاکت را برافراشته کنند.

باید این فقر و فلاکت را به پلاتفرمی مهم برای سرنگونی رژیم اسلامی بدل کرد. باید بکوشیم که این دور جدید افزایش سرسام آور قیمت ها به گور دائمی رژیم اسلامی بدل شود. اکثریت مردم در آنچنان فقری دست و پا می زنند که ادامه زندگی عملاً بنظرشان غیرممکن می رسد. اما با سلاح اتحاد و تشکل می توانیم مردم را علیه رژیم اسلامی به میدان کشیم. باید این رژیم سرکوب و استثمار اسلامی را همراه با کل نظام سرمایه داری به زیر کشیم و بر ویرانه های آن یک جمهوری سوسیالیستی پایه گذاری کنیم. نظامی که با الغای کار مزدی و مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله و حاکمیت مالکیت جمعی بر آنها، فقر و فلاکت، استثمار و اختلاف طبقاتی را زائل خواهد کرد. تنها نظامی که قادر است آزادی، برابری و رفاه عمومی و واقعی را برای تمام شهروندان جامعه تامین کند. *

مردم قبض های آب و برق و گاز را نپردازید! کارگران صنایع آب و برق و گاز نقش تان را ایفا کنید!

رژیم جمهوری اسلامی با حذف سوبسیدهای مواد سوختی و اقلام اولیه مورد نیاز زندگی یک تعرض همه جانبه اقتصادی به معیشت و زندگی توده مردم زحمتکش را در دستور گذاشته است. این یک شوک عظیم اقتصادی - اجتماعی است. این تعرض ارتجاعی را "هدفمند کردن پارانه ها" نام گذاری کرده اند. این یک دزدی آشکار از هزینه زندگی مردم و تلاشی همه جانبه برای به گرسنگی کشاندن بیشتر توده های مردم محروم است. ابعاد این چپاول و غارت اموال مردم عظیم است. قرار است که در مرحله اول این طرح مبلغی معادل ۲۰ هزار میلیارد تومان بر هزینه زندگی مردم اضافه کنند. در مرحله دوم این طرح این رقم به دو برابر خواهد رسید. از هم اکنون قیمت کالاهای اساسی با شتاب بیشتری در حال افزایش است. قبوض آب و برق و گاز بعضاً به پنج برابر افزایش یافته است.

اهداف این اقدام ارتجاعی هم اقتصادی و هم سیاسی اند. رژیم اسلامی مانند تمام رژیمهای مرتجع سرمایه داری میکوشد با حذف سوبسیدهای دولتی بار بحران لاعلاج اقتصادی خود را بر گرده توده مردم کارکن بیندازد و از این مجرا نیز جیب مرتجعین حکومتی و اوباش اسلامی حاکم را پر کند. و از طرف دیگر میکوشد با تحمیل فقر و فلاکت گسترده تر بر مردم هر چه بیشتر توان مبارزاتی جامعه را در مقابله و به زیر کشیدن رژیم اسلامی به تحلیل ببرند. بالا بردن هزینه زندگی مردم در عین حال در خدمت اهداف سیاسی و سرکوبگرانه این رژیم ارتجاعی است. میخواهند همزمان هم به مردم شلیک کنند و هم به مردم گرسنگی بدهند. اما صفوفشان در هم و بهم ریخته است. نگران انفجارهای اجتماعی ناشی از اجرای این طرح اند. مردم را به آرامش دعوت میکنند. از طرف دیگر آب از لب و لوجه شان را افتاده است. از ثروتی که قرار است از چپاول اموال مردم نصیبشان شوند در پوست نمی گنجند.

باید این طرح ارتجاعی را متحدانه در هم شکست. از نقطه نظر ما اولین گام در راه به شکست کشاندن این طرح و وادار کردن رژیم اسلامی به عقب نشینی، عدم پرداخت فعال و همگانی قبوض آب و برق و گاز است. چنانچه مردم متحدانه و در سطحی گسترده از پرداخت این قبوض خودداری کنند رژیم اسلامی هیچ غلطی نمیتواند بکند. و در صورتیکه بخواد اقدام به قطع آب و برق و گاز مردم کند باید فعالانه دست به اعتراض زد و این اقدامشان را هم خنثی کرد. اما ما کارگران و مردم زحمتکش در عین یک نیروی مهم و تعیین کننده در صفوف خود داریم و آن هم کارگران و کارکنان شریف صنایع آب و برق و گاز هستند.

کارگران و کارکنان صنایع آب و برق و گاز!

صفوف رژیم متشتت و بهم ریخته است! نقش شما در به شکست کشاندن تلاش رژیم در قطع آب و برق و گاز منازل مردم حیاتی است. نگذارید و عمال مزدور رژیم اسلامی آب و برق و گاز مردم را قطع کنند. متحدانه این تلاش مذبحخانه رژیم اسلامی را در هم بشکنید. متشکل شوید. مجامع عمومی و شوراهای خود را برپا کنید. برای اعتصاب و اعتراض علیه فقر آماده شوید. و اگر مزدوران رژیم در محلاتی توانستند آب و برق و گاز مردم را قطع کنند، متحدانه این خدمات اولیه را وصل کنید.

مردم آزادیخواه!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری شما را به نپرداختن فعال و متحدانه قبوض آب و برق و گاز فرامیخواند. علیه فقر و گرانی متحد شوید. قدرت شما در تشکل شماست. از مجرای این اقدام همگانی میتوان رژیم اسلامی را وادار به عقب نشینی کرد و شکستهای بزرگتر دیگری به آن تحمیل کرد. در دل این کشمکش برحق میتوان و ضروری است که تشکلهای توده ای در محلات را شکل داد، نیروی وسیع مردم کارگر و زحمتکش را بمیدان آورد، و دور جدیدی از خیزش توده ای برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی را سازمان داد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۱ سپتامبر ۲۰۱۰ - ۳۰ شهریور ۱۳۸۹

پیام حزب اتحاد کمونیسم کارگری به مناسبت بازگشایی مراکز تحصیلی

دانشگاه پادگان نیست، حوزه نیست، زندان زنان نیست!

دانشجویان، دانش آموزان

آغاز سال جدید تحصیلی در عین حال میتواند آغاز دور جدیدی از مبارزه همه جانبه علیه رژیم اسلامی در مراکز آموزشی کشور باشد. بدین منظور باید متحد کرد، باید سازمان داد، باید پرچم سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و پرچم "آزادی، برابری و رفاه" را در تمامی مراکز علمی به اهتزاز در آورد.

رژیم اسلامی در یک بن بست لاعلاج اقتصادی و سیاسی و اجتماعی قرار دارد. اعتراضات دوره اخیر در جامعه زمین زیر پای جناحها و باندهای رژیم اسلامی را داغتر کرد. دامنه و عمق این اعتراضات در طول بیش از سه دهه حیات ننگین رژیم اسلامی بیسابقه بوده است. در پس این اعتراضات جهانیان چهره خشمگین مردمی را که عزم کرده اند کار رژیم اسلامی را تمام کنند، دیدند. و شما جوانان و دانشجویان و دانش آموزان آزادیخواه یک رکن مهم این اعتراضات علیه رژیم اسلامی بودید.

اکنون رژیم اسلامی بیش از هر زمان مشتت تر، شکننده تر و در هم ریخته تر است. با معضل چگونگی بقاء مواجه است. با مردمی مواجه است که برای سرنگونی آن به میدان آمده اند. سیاست سرکوب و قمه کشی اش کار آبی تاکنونی خود را از دست داده است. نتوانسته اند مردم را مرعوب کنند و به زانو در آورند. باندها و دستجات متعدد آن به هر خس و خاشاکی برای بقاء متوسل میشوند. میزنند، سرکوب میکنند، اعدام میکنند، به فقر و فلاکت میکشانند اما کماکان با مردم معترضی مواجه اند که میخواهند سر به تن این رژیم نباشد. یک باندها تازگی به اسطوره کورش و سمبلهای ارتجاعی ناسیونالیسم عظمت طلب متوسل شده است. جناح دیگرش بر قمه کشی و اسلامیسیم بیشتر تاکید میکند. جناح دیگرش میکوشد جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم را کنترل و مهار کند و آن را در چهارچوب قوانین ارتجاعی رژیم اسلامی به اسارت در آورد. و مردم هم در پس این تقلاها تلاشهای استیصال آمیز بخشهای مختلف یک رژیم ورشکسته را برای بقاء می بینند و مترصد فرصت برای فرود آوردن ضربات سهمگین تر هستند.

دانشجویان، معلمان و دانش آموزان کمونیست

همانطور که پیشتر در مصوبات حزبی گفته ایم: "جامعه در حال حاضر در پلکان آخر حیات رژیم اسلامی قرار دارد. نه رژیم اسلامی قادر به سرکوب اعتراضات مردم است و نه اصلاح طلبان حکومتی میتوانند مردم را به سازش و تمکین بکشانند. اما پیروزی مردم و سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی مستلزم تامین یک رهبری انقلابی و کمونیستی در راس جنبش توده ای و پاسخ به ملزومات مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی است. در چنین شرایطی کمونیسم کارگری میتواند به یک آلترناتیو و یک انتخاب واقعی مردم تبدیل شود. این انتخابی میان دو آلترناتیو و دو راه حل چپ و راست است. انتخابی میان راه حل تغییرات از بالا، کودتاگرایانه و با اتکاء به قدرتهای غربی و مبتنی بر تحریم اقتصادی و جنگ یا انتخابی متکی بر نیروی توده های مردم رادیکال و انقلابی و از پائین است. جداکردن مردم از هر آلترناتیو و خط مشی بورژوازی و سوق دادن آنها به یک موضع چپ و انقلابی در تحولات سیاسی جاری یک رکن فعالین حزب اتحاد کمونیسم کارگری است."

در این شرایط وظایف شما بیش از هر زمان است. شما باید چسب اتحاد و سازمانیافتگی و پیشبرد سیاست رادیکال و آزادیخواه و کمونیستی در دانشگاهها و مراکز تحصیلی باشید. باید پروژه های رژیم اسلامی در دانشگاهها را به شکست بکشانید. باید مراکز تحصیلی کشور را برای اخراج تمامی نیروی انتظامی و سرکوبگر و بسیجی از دانشگاهها سازمان داد. باید پروژه آپارتاید جنسی و جداسازیهای جنسی در دانشگاهها را به شکست کشانید. باید پرچم آزادی و برابری و رفاه همگان را در دانشگاهها به اهتزاز در آورد. و در عین حال نباید اجازه داد جریانهای اصلاح طلب حکومتی و دنباله های آنان در اپوزیسیون پرو رژیم مبارزات دانشجویان را به مسلخ قانون اساسی رژیم اسلامی و دنباله روی از جناح سبز حکومتی بکشانند. نباید اجازه داد تا جریانهای ناسیونالیست و قومپرست سم قومپرستی و ناسیونالیسم را در این اعتراضات بگسترانند. باید گسترده ترین همبستگی میان معلمان و دانش آموزان آزادیخواه و خانواده های آنان را فراهم کرد.

آغاز سال تحصیلی جدید را به سکویی برای تعرض گسترده به رژیم اسلامی تبدیل کنیم!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۹ سپتامبر ۲۰۱۰ - ۲۸ شهریور ۱۳۸۹

احمدی نژاد شاه و مشایی هویدا!

سعید مدانلو



مذهب تا حد لازم و ضروری در ایران مطلوب ترین وضعیت حکومت سرمایه در شرایط متعارف سرمایه داری است و برای کلیه قطبهای قدرت سرمایه داری جهانی نیز به صرفه ترین است. منتها سرمایه اسلامی از وضعیت معوج گذشته رفته رفته به وضعیت افلیج رسید. در ایران حضيض ترین اوقات جمهوری اسلامی تازه دارد آغاز میشود. تا اینجا روز خوش بود. وانگهی جنبشی عظیمی در کمینش نشسته، هرروز از جایی صدای همهمه می آید، تهدید بزرگی به جان حکومت رعشه می اندازد.

اینکه جمهوری اسلامی با بازی کارت ناسیونالیسم بتواند چاره ای برای تمدید عمرحکومتش اندیشیده و یا بدین وسیله تنفر مردم را نسبت به خود اندکی تخفیف داده باشد، امر محالی است. منتها برای کمونیستها اهمیت قضیه در اینجاست که وسط معرکه نجات جمهوری اسلامی، ناسیونالیسم ایرانی را کاربردست میبینند. یعنی ناسیونالیسم بمثابه یک ابزار سیاسی مهم بورژوازی می تواند در پست ترین و شنیع ترین وضعیت ممکن قرار بگیرد تا خدمتش را به تداوم عمر حکومت سرمایه اسلامی و یا هر قماش دیگر سرمایه، انجام داده باشد. عیان شدن شناعت ناسیونالیسم همیشه مطلوب

نظر و عمل کمونیست هاست. ناسیونالیسم ایرانی هر نقش سیاسی که بازی کند کمونیسم کارگری بالای سرش خواهد بود. به هر شکل و شمایی که بخواهد وارد کارزار حفظ "نظام" شود همه رذالتهايش را افشاء میکنیم و نشان مردم میدهیم.

نه جمهوری اسلامی جمهوری ناسیونالیستی میشود و نه ناسیونالیسم امام زمانی احمدی نژاد میتواند جمهوری اسلامی را نجات دهد. این تحرکات چیزی فراتر از مانور در جنگ جناحی از یکسو و تلاش برای تشدید این جدال نیست. جمهوری اسلامی هر لباس کریهیی به تن بکند از نظر جامعه باید برود. چون عمرش تمام شده، گندیده، و تداومش زیانبارتر است.*

ناسیونالیسم پرو غرب ایرانی عمده ترین رقیب آلترناتیو سوسیالیستی طبقه کارگر در تعیین تکلیف نهایی با نظام سرمایه داری در ایران خواهد بود. این تر را منصور حکمت مطرح کرد. آنچه که امروز در مقابل چشمان ما میگردد و راجع به آن صحبت میکنیم نه تنها خود گواه درست بودن نظر اوست بلکه از پیش دانستن. اتفاقی که قرار است در آینده رخ بدهد کمونیستها را قادر به دست پیش گرفتن در امور جاری میکند. ناسیونالیسم به مثابه ابزار ویژه و چه بسا نجات بخش سرمایه داری در شرایط افول سود آوری و بحران در یک کشور سرمایه داری، نقش فوق العاده مهمی برای نمایندگان بورژوازی چه در قدرت و چه در اپوزیسیون بازی کرده است. ناسیونالیسم یکی از قدرتمندترین دستمایه سیاسی هر بورژوائی برای سرکوب و بیرون آمدن از بحران سرمایه اشد.

اما احمدی نژاد علیرغم پرت و پلاهایی که میگوید و تهدیدهایی که میکند، علیرغم نمایش مضحک ناسیونالیسم عهد عتیقی کوروش کبیری، نمیتواند این نظام ورشکسته را نجات دهد. او همراه با جناحی از حکومت توانست بخشی از برادران مسلمان اصلاح طلب مخلص امام را از نظام بیرون بیاورد اما حریف جامعه نمیشود چون کارگران و اکثریت مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند.

اما ناسیونالیسم ایرانی خود تمجید گوی دستگاه مذهب است و تاریخا انواع شاه و شخصیت های "ملی" مدح مذهب و دستگاه دین گفتند و امروز نیز چنین است. قرار نیست ناسیونالیسم ایرانی علیه مذهب کار خارق العاده انجام دهد. ملاها عقب بنشینند و جای تعیین شده شان را قبول کنند برای ناسیونالیسم ایرانی کافی است. برجسته کردن ناسیونالیسم و عقب نشانیدن

گویا سبزهها این روزها کمی خبر دست و پا کردند و در قیطره و حوالی رفتند برایشان ندای الله و اکبر سر دادند. در وضعیتی افتاده اند که گویی قرار است خمینی دوباره علیه شاه "انقلاب" کند. انگار احمدی نژاد و مشایی شاه و هویدای "بهای" هستند که اسلام

اعتراض کارگران برق

بنا به خبری که برای حزب ارسال شده، صبح دیروز سه شنبه ۳۰ شهریور ماه، کارگران نیروگاه قولیان بخش شرکت پاراهون در اعتراض به حقوق عقب افتاده خود جلو شرکت اجتماع کردند. حراست نیروگاه بلافاصله کارگران معترض را محاصره و برای خاتمه دادن سریع تر به اعتصاب کارگران را تهدید کردند. بنا به خبر اما تا ساعتی بعد از اجتماع کارگران، نیروهای سرکوبگر حراستی موفق به شکستن اجتماع و اعتراض کارگران نشده بودند.

بخشهای مختلف این نیروگاه برق مانند دیگر مراکز صنعتی به شرکتهای انگل پیمانکاری واگذار شده است و کارگران در هر قسمت با شرکتی روبرو هستند. روسا و عوامل شرکتهای پیمانکاری نیز هر کدام برای سرواندن کارگران سیاست پاسکاری به این و آن و انواع بهانه در این آشفته بازار دارند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۳۱ شهریور ۱۳۸۹ - ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۰

جنبش آزادی زن در ایران

گفتگوی شهروند با آذر ماجدی

فرح طاهری

گفت و گو با آذر ماجدی عضو هیئت رهبری حزب اتحاد کمونیسم کارگری ایران.

در سال 1991 حزب کمونیست کارگری ایران توسط منصور حکمت بنیان گذاشته شد و آذر ماجدی از حزب کمونیست ایران خارج و به حزب جدید پیوست. در اگوست 2004 حکمتیست ها از حزب کمونیست کارگری انشعاب کردند و ماجدی با حزب کمونیست کارگری ماند و در می 2007 حزب اتحاد کمونیسم کارگری جدا شد که ماجدی به هیئت رهبری حزب جدید پیوست.

او رئیس سازمان آزادی زن و عضو هیئت اجرایی سازمان بین المللی "ابتکار فمینیستی اروپایی" (European Feminist Initiative) است.

این سازمان در حوزه ی سکولاریزم و حقوق زن در حوزه اروپا و خاورمیانه فعالیت می کند. او همچنین در رادیوی 24 ساعته حزب با عنوان "یک دنیای بهتر" فعال است.

با توجه به سخنرانی ماجدی که در مورد وضعیت کنونی جنبش در ایران بود، سعی کردیم در مصاحبه بیشتر روی مسائل زنان تمرکز کنیم و نظرات رهبری حزب اتحاد کمونیسم کارگری را در این زمینه بشنویم.

وضعیت جنبش زنان در ایران را چگونه می بینید؟

به نظر من جنبش آزادی زن در ایران یکی از قوی ترین جنبش های زنان در دنیا است و در این سی سال اخیر افت و خیزهای زیادی داشته. در 17 اسفند 1357 مصادف با هشت مارس وقتی خمینی حجاب را اجباری اعلام کرد و زنها در

آذر ماجدی از فعالان کمونیست و زنان روز 13 اگوست در کنفرانس "جهانی شدن اسلام سیاسی و تأثیرات آن بر موقعیت زنان" و روز یکشنبه 15 اگوست در یکی از اتاق های شهرداری تورنتو سخنرانی داشت.

از مصاحبه ی پیشین ما با آذر ماجدی چهار سال می گذشت که در دفتر شهروند، با او به گفت و گو نشستیم.

آذر ماجدی در خانواده ای با پس زمینه سیاسی به دنیا آمده. از دوران دبیرستان در تهران به سیاست علاقمند شد. در سال 1973 به کانادا آمد تا به تحصیل ادامه دهد. در مقطع انقلاب در رشته تاریخ و ادبیات فرانسه لیسانس گرفت و به ایران برگشت. همزمان با دوران انقلاب در ایران فعالیت سیاسی خود را هم با گروه های زنان و هم با سازمان اتحاد مبارزان کمونیست شروع کرد.

در سال 1361 به دلیل فعالیت هایش در معرض خطر دستگیری قرار داشت که با همسرش منصور حکمت به کردستان رفت. در شهریور 1362 اتحاد مبارزان کمونیست با کومه له و بخش هایی دیگر از سازمانهای دیگر حزب کمونیست ایران را در کردستان تشکیل دادند. در سال 1364 با همسرش منصور حکمت و تعدادی دیگر از ایران خارج شد و فعالیتش را در خارج کشور ادامه داد.

خیابان آمدند جنبش نوین حقوق زن در ایران متولد شد. و در این پانزده سال اخیر وسیع و توده ای شده. چه در مقاومت های فردی زنان و چه اشکال جمعی بخصوص یک سال اخیر نقش جنبش آزادی زن دنیا را شوکه کرد. دنیا انتظار نداشت زنان را چنین جسور در صحنه ببیند. این فقط نقش زنان نبود، بلکه نقش جنبش آزادی زن بود.

در زمان انقلاب 57 هم زنان خیلی فعال بودند ولی توانستند آنها را به خانه ها عقب برانند و سرکوب کنند، چون آن موقع حقوق زن امر کسی نبود، اما امروز در میان جنبش اجتماعی و سیاسی ایران برای برابری و آزادی، جنبش آزادی زن جایگاه بسیار بالایی دارد، چنانکه از انقلاب زنانه حرف زده می شود. نه اینکه انقلابی که فقط زنان در رأس آن باشند، بلکه امر آزادی زن در رأس قرار دارد. اگر ما جمهوری اسلامی را پایین بکشیم و نقش زنان در این کار را در سطح منطقه اثراتش را خواهیم دید.

جنبش آزادی زن جایگاهی مثل جنبش آزادی زن در دهه ی شصت و هفتاد در غرب دارد که به آن انقلاب جنسی می گفتند.

نظراتان درباره ی مبارزات فمینیستی زنان در ایران چیست؟

فمینیسم هم شاخه های مختلفی دارد. مثلاً یکی از آنها که حاضر نیست به مرد نگاه هم کند که من با آن کاری ندارم. یکی از آنها خواستار برابری حقوقی زن هاست که من دارم با آنها در همان "ابتکار فمینیستی اروپایی" کار می کنم و قبولش دارم. در ایران هم جنبش حقوق زن گرایشهای مختلف دارد. بخشی که با زهرا رهنورد دارند جنبش سبز اسلامی را جلو می برند بخش اصلاح طلبان حکومتی هستند و مبارزاتشان انعکاس مبارزات زنان است و در نتیجه همیشه چند پله عقب تر قرار دارند. اگر شما ده سال پیش شعار ممنوعیت حجاب را طرح می کردید جلو بودید، ولی اگر الان حجاب اجباری را مطرح کنید عقب هستید. الان باید علیه حجاب



اسلامی ایستاد و آن را افشا کرد. من با حجاب کودکان و با پوشش برقع در انتظار عمومی مخالفم ولی اگر زنان بزرگسال خودشان بخواهند حجاب داشته باشند من با آن مخالفتی ندارم و حجاب را امر شخصی زنان می دانم.

در مورد لایحه چندمتری اینها نیامدند کل مسئله را زیر سؤال ببرند، بلکه رفتند به مجلس به دستبوسی نمایندگان مجلس تا اجازه همسر اول لغو نشود. کلی توهم ایجاد کردند سر اسلام و جمهوری اسلامی. حرف ما این بود که اینها به جنبش زنان ضربه می زند. این شیوه ی مبارزه مترقی نیست. من همان موقع گفتیم شما زنان را دارید به عقب می کشید. مطرح کردن این گونه مطالبات کم است.

خوب الان آن مطالبات زیادی که شما می گوید باید مطرح می شد در جو سانسور و خفقان و نبود مطبوعات آزاد، به چه شیوه ای می توانست مطرح شود؟

ببینید در این یک سال اخیر دیگر قانون معنی ندارد شما باید مبارزه را در سطح دیگری ببرید. دولت می خواهد منحرف کند درست در همین شرایط احمدی نژاد می آید لایحه چندمتری را مطرح می کند. ما می توانستیم اصلاً به آن توجهی نکنیم در عوض بحث آزادی زن را طرح کنیم. ما اگر این کار را می کردیم احمدی نژاد زمین می خورد. من قبلاً در این خصوص در نشریه آزادی زن نوشتم و همان موقع هم گفتیم شما سر

جنبش آزادی زن در ایران

گفتگوی شهروند با آذر ماجدی ...

یک بند کلی آوانس دادید به اسلام، هم خانم شادی صدر هم خانم شیرین عبادی، من به آنها گفتم شما اعتراض رادیکال جامعه را دارید به شرایط مامشات جویانه می کشانید.

شاید آنها می خواستند از شیوه های موجود استفاده کنند.

خوب اگر آن موقع مطرح می کردند که زودتر سرکوب می شدند و این پروسه ی آگاه سازی چهار ساله و پیوستن این همه مرد و زن جوان به این کمپین اتفاق نمی افتاد.

- حداقل می گفتند که باید تلاش کنیم حجاب اختیاری باشد نه این که مسکوت بگذارند، ولی نوع روششان به نظر من جالب بود. در خود این کمپین هم گرایشات مختلف وجود دارد بعضی ها به اصلاح طلب ها تمایل دارند و بعضی دیگر رادیکال تر هستند و من به گرایش رادیکال آن معتقدم.

در کنفرانس بنیاد پژوهش های زنان در پاریس امسال شرکت داشتید و سخنران بودید. آیا برای اولین بار بود؟ نظرتان راجع به بنیاد پژوهش های زنان چیست؟ به سخنرانی شما درخصوص "نسل جوان ایرانی خواستار مذهب نیستند و جمهوری اسلامی و آزادی حجاب نیز با یکدیگر قابل جمع نیست" عده ای اعتراض داشتند. اعتراضشان چه بود؟

- "بنیاد" نهادی ست که توانسته خودش را تثبیت کند و من خوشحالم که در آن شرکت کردم. نزدیک به چهارصد نفر آنجا شرکت داشتند و موقعیت خوبی برای بحث و دیالوگ بود. یکی از سخنرانان می گفت جنبش زنان در ایران فعال نیست، من مخالف بودم و گفتم نمونه فعال بودن جنبش زنان همین جمع است، برو کشور دیگری پیدا کن که

- حتما این طور است. من با آنها دشمنی که ندارم، بحث می کنم. من به یک چیزی اعتقاد دارم اینکه مادام که جمهوری اسلامی در ایران بر سر کار است زنان روی آزادی را نخواهند دید، ولی شما در ایران هستید و می خواهید فعالیت کنید، راه های دیگری هست برای فعالیت، لازم نیست بروید مجلس. لابی ایسم چه معنی دارد. شما می روید پیش ناطق نوری و خواهش و تمنا می کنید که این اجازه همسر اول را بگیرید.

همان موقع که کمپین یک میلیون امضا چهار سال پیش اعلام موجودیت کرد، ما کنفرانس آزادی زن را در سوئد داشتیم، همانجا کنفرانس پیام تریک فرستاد و گفت این ابتکار جالبی ست و گفتیم می دانیم نمی توانید علیه اسلام حرفی بزنید ولی مجبور نیستید که تعریف هم کنید که کردند در همان مانیفستشان. این ها ضررش بیشتر از نفع اش هست.

من چنین چیزی ندیدم.

- چرا همان اول که در سایتشان گذاشتند، من دقیقاً یادم نیست ولی از اسلام مثبت حرف زده بودند. مسئله حجاب را دست بهش زده بودند، و الان دارند مطرح می

- به نظر من این جنبش اصلاح طلب حکومتی جواب ندارد. ما با اصلاحات مشکلی نداریم ولی با رفرمیسم اشکال داریم. ما اتفاقاً برای اصلاحات مبارزه می کنیم ولی اعتقاد داریم رژیم جمهوری اسلامی اصلاح پذیر نیست.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری سه سال و نیم پیش تشکیل شد منتها کادرهایی که این را تشکیل دادند از کادرهای سرشناس جنبش کمونیستی بودند. خیلی سریع توانستیم بخشی از جوانان و جنبش کارگری را جذب کنیم. ما در جنبش کارگری به دنبال شوراهای کارگری هستیم و فکر می کنیم این شوراها بهتر می توانند به مسائل کارگری پاسخ دهند. از حالا ما داریم در این راه مبارزه می کنیم. این نوعی "دمکراسی مستقیم" است و کارگران تک تک می توانند در سرنوشت خودشان سهم بیشتر و فعالتری داشته باشند و برای حقوق خودشان علیه فقر و بیکاری مبارزه کنند. تا آنجا که به جنبش آزادی زن برمی گردد ما برای حقوق زن مبارزه می کنیم، علیه تمام فشارها مبارزه می کنیم و هستند کسانی که با ما فعالیت می کنند در همین کمپین ها دارند فعالیت می کنند و گرایش رادیکال را نمایندگی می کنند. ما ماجراجو نیستیم. نمی گوئیم پرچم را دستت بگیر و برو در میدان آزادی شعار بده. ما خواهان سازماندهی هستیم. ما خواهان تشکل هرچه سریعتر مردم در ایران هستیم. شورای محلات را درست کنند. در مدرسه و دانشگاه شورا درست کنند این طور بهتر می توانند جلوی رژیم بایستند و این مبارزه را بهتر پیش ببرند.

فکر می کنید آگاهی سوسیالیستی بین کارگران ایران در چه حد است؟

- من اعتقاد دارم وقتی کارگران به سر کار می رود و می بینند که چقدر استثمار می شوند، خودش لزوم تشکل را می بیند. شما در این سی ساله

دیاسپورای آن بتواند این همه فعال و اکتیویست را در کشوری جمع کند این نشان می دهد که چقدر جنبش زنان قوی ست. سخنرانی من سالن را قطبی کرد. یک بخشی که چندین بار کف زدند و یک بخش هم شدیداً مخالف بودند. این نشاندهنده ی قطب بندی هایی ست که در جامعه وجود دارد. چپ و راست. چپ ها بالطبع با حرف های من بیشتر احساس نزدیکی می کردند وقتی که من گفتم اسلام و بی حجابی زنان تناقض دارد یک خانم گفت به نظر من اینجور نیست ببین چقدر رفته جلو از این بیشتر هم میره. من گفتم نه اینطور نیست، تا حالا هم با خون و شلاق رفته اگر از این بیشتر بره جمهوری اسلامی سر کار نمی مونه. حجاب بیرق جمهوری اسلامی ست. در این سی ساله اخیر هر وقت جمهوری اسلامی خواسته به جامعه یورش بیاره اول حجاب زنان را بهانه کرده.

دو نفر با حرف من که گفتم در ایران جوانان خواستار مذهب نیستند، گفتند شما اشتباه می کنید در ایران نبوده اید، اما اتفاقاً دو سه جوان که آنجا کارهای مختلف می کردند، آمدند پیش من و گفتند ما سه ماهه از ایران آمدم و حرف های شما درسته الان جوانهای ایران از مذهب بدشون میاد. دیگر مذهب را نمی خواهند. وقتی این را میگم منظورم تمام جوانان نیست ولی الان گرایش بسیار قوی در بین جوانان به وجود آمده علیه مذهب، اسلام و حکومت اسلامی. آنها آزادی می خواهند. جوان ایرانی می خواهد مثل جوان غربی زندگی کند و به شدت ضد رژیم است. این تضاد آشتی ناپذیر نسلی ست و رژیم نمی تواند سرکوبش کند. جنبش آزادی زن، جنبش خلاصی فرهنگی، و سکولاریسم ضد مذهبی سه جنبشی هستند که جای مهمی در ایران امروز دارند.

در سخنرانی روز یکشنبه گفتید، حزب اتحاد کمونیسم کارگری به مبارزات رادیکال معتقد است و اعتقادی به اصلاحات ندارد. شیوه ی مبارزه ی هواداران شما امروز در ایران چگونه است؟

جنبش آزادی زن در ایران

گفتگوی شهروند با آذر ماجدی ...

ببینید کارگران سعی کردند برای خودشان سندیکا درست کنند نیشکر هفت تپه، اتوبوسرانی و ... آنها از من و شما بهتر می دانند که باید اتحاد و تشکل داشته باشند چون این طوری سرکوب رژیم هم کمتر کارساز می شود. باید بگم درک سوسیالیستی در بین طبقه کارگر خیلی وسیع است. الان طبقه کارگر با طبقه ی کارگر چهل سال پیش متفاوت است. الان کارگران ایران دیپلمه و تحصیلم کرده هستند.

چشم انداز آینده ی رژیم چیست؟

من این را آغاز یک پایان نامیدم. جمهوری اسلامی آماده ی افتادن است فقط نیرویی می خواهد که آن را بکشد پایین. شما سرکوب را از سر جامعه بردارید ببینید چه می شود. سرکوب یک طرف قضیه است و طرف دیگر نداشتن تشکل و یک افق موانعی ست که وجود دارد برای همین من فکر می کنم تشکلی شوراها در همه جا مهم است. به هر حال این رژیم می افتد ولی چه حکومتی بعد از آن خواهد آمد مسئله است. واضح است من به عنوان یک کمونیست کارگری، خواهان یک جمهوری سوسیالیستی هستم. چون واقعا فکر می کنم اگر می خواهیم آزادی واقعی داشته باشیم و برابری واقعی - نه برابری حقوق بشری فقط حقوقی - برابری اجتماعی - اقتصادی داشته باشیم در جامعه ی ایران فقط با سوسیالیسم عملی ست. انتخاب های دیگر چیست؟ عده ای می خواهند سرمایه داری را نگه دارند در جامعه ایران این سرمایه داری به شکل استثمار شدید است مثل زمان شاه، که مردم علیه آن قیام کردند، نه به خاطر اینکه اسلام می خواستند، بلکه عدالت می خواستند. آن تفاوت فقیر و غنی، ساواک، اختناق و ... اینها

را نمی خواستند. ما باید آلترناتیو چپ را تقویت کنیم. ما در برنامه ی یک دنیای بهتر می خواهیم جامعه ای را بسازیم که جامعه ی آزادی ست: آزادی بدون قید و شرط سیاسی، آزادی بدون قید و شرط تشکل و آزادی بدون قید و شرط اعتصاب. من خواهان چنین آزادی ای هستم. شما در جامعه ی طبقاتی نمی توانید برابری ایجاد کنید. برابری حقوقی به وجود می آید، ولی در واقعیت جامعه این برابری به وجود نمی آید. من خواهان برابری اقتصادی ام. بچه مهم نیست در کدام ده، کدام شهر، کدام خانواده به دنیا میاد، باید زندگی از نظر رفاه، حقوق، حرمت و احترام مثل بچه ای باشه که جای دیگر به دنیا آمده.

این خواست های انسانی ایده آل است. آیا فکر می کنید اینها در جمهوری سوسیالیستی مورد نظر شما به واقعیت پیوندند؟

- قبول دارم سخت است. من این را می خواهم و تلاشم در این جهت است. به درجه ای که آدم های دیگر با همین تعهد و آرمان به آن پیوندند. بعضی ها به ما می گویند که خواست های شما اتوپیک است، اتفاقا داشتن یک دموکراسی مثل کانادا در ایران بیشتر اتوپیک است. این رژیم بیفتد اگر آلترناتیو چپ را در جامعه نیاورید یک دیکتاتوری دیگر خواهد آمد عین ترکیه. در نتیجه این بحث های حقوق بشری و دموکراسی که مثل قارچ از زمین بیرون آمده کاملاً اپورتونیستی و حزب باد است.

ببینید مردم پراگماتیست هستند ولی احزاب چپ نباید پراگماتیست باشند، حزب چپ باید برود برای آن چیزی که واقعا می خواهد مبارزه کند. مردم در شرایط عادی پراگماتیست هستند و در شرایطی آرمانخواه می شوند و این همان شرایطی ست که می گوئیم شرایط انقلابی. در همین یک سال اخیر چه قهرمانی ها شما از مردم دیدید؟ در این شرایط حساس چپ و راست می برند. راست که آمریکا و اروپا پشتش هست، پول دارند و ... ، چپ چیزی ندارد جز آرمانخواهی و فداکاری اش.

سرنگونی قطعی ست. لزوماً با انقلاب نیست ولی می تواند هم با انقلاب باشد. یا اینکه انقلاب بعد از فروپاشی انجام شود چون انقلاب به

نظر من انقلاب کارگری ست و جمهوری سوسیالیستی را می آورد.

حرف دیگری هم دارید؟

- من فکر می کنم به طور واقعی ما باید مسئله قطب سرنگونی طلبی را قطعاً تقویت کنیم و اجازه ندهیم اینها که می گویند ساختارشکنی نکنید و یا اصلاح طلبان حکومتی، جلوی ما صفی را درست بکنند. مردم بدون سرنگونی جمهوری اسلامی نمی توانند واقعا یک لحظه مزه آزادی بچشند یا زندگی مرفهی داشته باشند، این قطعاً باید پیامی باشد که به همه داده میشود که چپ را آورد و صدایش را تقویت کرد.

آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>
www.m-hekmat.com/

سایت های

حزب اتحاد کمونیسم کارگری:

www.wupiran.org

www.wupiran.net

سایت رادیو یک دنیای بهتر:

www.wupradio.org

ای میل جدید رادیو:

wup1917@mail.com

لطفاً به اطلاع عموم برسانید!

"دغدغه زندگی کارگران" یا استیصال دولت سرمایه داران

پدرام نو اندیش

این روزها "دغدغه زندگی کارگران و توده های پاره پاره"، خاطر نا مبارک آیت الله های مفتخور را آزرده ساخته است. فقر و فلاکت طبقه کارگر و توده های پابرهنگه توسط سرمایه داران و دولتشان چنان گسترش یافته که کودن ترین بخش دولت سرمایه داران جمهوری اسلامی را نیز به تکاپو انداخته است.

بحث حذف یارانه کالاهایی که مستقیماً به زندگی میلیون ها کارگر و زحمتکش ارتباط دارد و منجر و به تشدید فقر و فلاکت آنها می شود، بی تردید مقاومت و اعتراضات وسیع تری از سوی طبقه کارگر را به دنبال خواهد آورد. همین دورنما موجب شده که انواع قاتلین و سرکوبگران حکومتی، خطر شورش و عصبان گسترده گرسنگان را احساس کرده و به نوعی آن را بر زبان رانده و به شرکای حکومتی شان هشدار دهند.

در هفته گذشته آخوند مکارم شیرازی، ریا کارانه از تناقض آمارهای ارائه شده در نرخ تورم سخن به میان آورد و آخوند کپک زده دیگری به نام امینی در خطبه های ترویج جهل و خرافه جمعه این هفته در قم، شیادانه داد سخن از افزایش بیکاری داده است. این آخوند که خود نیر از سرمایه داران نو کیسه اسلامی است، در عین حال اعلام می کند که دولت از حل مشکل بیکاری درمانده است. او در همان مکان خرافه پرانی نماز جمعه قم شیادانه ادامه می دهد که بیکارهای زیادی به سراغش می آیند تا وی به مسئولین توصیه کند که برای آنها کاری پیدا شود اما مسئولین مشکل دارند و حرف او در آنها تأثیر ندارد! همینطور محمد رضا تابش

نماینده مجلس رژیم اسلامی افزایش نرخ بیکاری در جامعه را مشهود دانسته و این افزایش را تا بیست درصد دور از ذهن نمی داند. هر چند وی تزویر دولت را خود نیز مزورانه بر ملا کرده و عنوان می کند که جناح مقابل در تعریف کار دست برده و کسی را که دو ساعت کار در هفته انجام دهد شاغل بوده و بیکار محسوب نمی گردد.

آخوند امینی به موج گسترده اخراج کارگران و باز خریدی کارمندان اشاره کرده است. مرتضی تمدن استاندار تهران که خود را مجرب در سرکوب های اخیر می داند، و گویی شب و روز خاطرش از اعتراضات و خیزشی که با حذف یارانه ها رخ خواهد داد برآشفته است، اعلام می کند حذف یارانه ها هیچ تبعات امنیتی را به دنبال نخواهد داشت. او میگوید اگر با سهمیه بندی بنزین اتفاقی افتاد این بار هیچ اتفاقی نخواهد افتاد و به هم پالکی هایش در حکومت اطمینان میدهد که هیچ تهدید امنیتی را احساس نمی کند. البته این مزدور سرمایه خیلی دلش می خواهد هیچ اعتراضی و هیچ شورشی به دنبال این غارت گری از سوی کارگران و توده های گرسنه صورت نگیرد. ولی آخوند جنایت کار جنتی این را به خوبی می داند که قدرت بی همتای اعتراضات کارگران چگونه می تواند بساط دولت سرمایه داریشان را به زیر کشیده و آنها را سرنگون سازد. او اعلام میکند در بحث حذف یارانه ها خدا می بایست کمکشان کند تا به سلامت جان سالم بدر برند. احمد جنتی

آشکارا توده های گرسنه را به ریاضت بیشتر (شما بخوانید سو تغذیه و فقر و فلاکت شدید) وعده داده است و دست به دامان خدای جنایت پیشه تر از خودش می شود. هر چند منظور این قاتل سرمایه دار از کمک خدا، همان ماشین سرکوب و اعدام است که سی و یک سال است که به قتل و کشتار کارگران و پابرهنگان ادامه داده است.

سخنان این جماعت ریز و درشت حکومتی، در عین ریاکاری، حاوی ترس رو به تزاید آنان از گسترش اعتراضات و امکان شورش های خیابانی گرسنگان است. دولت سرمایه داران با حذف یارانه ها رسماً وارد کشتار تدریجی و سازمان یافته کارگران و میلیون ها زن و کودک میشود. از اول مه رسماً زندگی سراسر درد و رنج طبقه کارگر ایران اعم از شاغل، بیکار، بازنشسته، قطع عضو شده بر اثر "سوانح کار"، زنان و کودکان بی سرپرست و ... مورد تعرض هر چه بیشتر و غارت وسیعتر توسط دولت سرمایه داران قرار میگردد. رسانه های حکومتی

از مدتها پیش افزایش قیمتها را تحت عناوین "سناریوهای قیمت" به همدیگر نوید داده و شراکت خود را در این کشتار بی رحمانه تهی دستان به نمایش گذارده اند.

اعتصاب طبقه کارگر آن عاملی است که دولت سرمایه داران را به وحشت انداخته است. این وحشت را می توان در صحبت های یکایک این قاتلین شنید. به درستی طبقه کارگر خواهان پایان بخشیدن به حذف سوبسیدها و تامین وسیع آن از طرف دولت است. طبقه کارگر برای رهایی خود و کل جامعه راهی جز سرنگونی نظام سرمایه داری و دولت اسلامی اش ندارد. گریبان این جنایتکاران را باید سر بزنگاه حذف یارانه ها گرفت و رها نکرد. واقعیت زندگی میلیون ها کارگر و زحمتکش نشان میدهد که طبقه کارگر و توده های پاره پاره و ارتش بیکاران در اعتراضات خود، چیزی برای از دست دادن به جز زنجیر های اسارت و بردگی ندارند. مرگ بر سرمایه داری! *

کتاب

کنترل کارگری

را از سایت حزب

دریافت و توزیع کنید!

یا کار یا بیمه بیکاری!

کارگران شاغل و بیکار! متحدانه علیه

بیکاری بمیدان بیایید!





سیاسی و اجتماعی این جریان است. راستش انتظار پاسخ جدی از فعالین "مومن" این حزب کمی دور از انتظار است. فحاشی، لجن پراکنی، اتهام زنی، خود گنده بینی، مدهاست که سنت غالب در این جریان است. این سیاست و اخلاقیات هم تصادفی نیست. محصول چرخش به راست و سیاستهایی است که مبانی و پایه های این حزب را تشکیل میدهند.

راه فراری نیست. مساله و سؤال کماکان بر بالای سر این حزب قرار دارد. تناقض میان سیاستهای دست راستی و پاسیفیستی آن و ادعای "حکمتیسم". این دو نه قابل جمع اند و نه قابل تداوم. اگر امروز هم نخواهند با "لحظه حقیقت" روبرو شوند، فردا در مقابل این تناقضات در هم شکسته خواهند شد. جوهر سیاستهایشان غالب زوروق "حکمتیسم" را کناری خواهد زد. سؤال این است که آیا جسارت دارند آن چهارچوبی را اتخاذ کنند که بیانگر واقعیت درونی شان است؟ این پوست اندازی هم به نفع کمونیسم منصور حکمت و هم به نفع رهبری این حزب! *

الحال است. بیش از حد مضحک است. اما بیائید کمی این حکم کادر "مومن" را بررسی کنیم. فرض کنیم که هر زمان جریانی به نقد سیاستهای حزبی می نشیند، یکی از مومنین حزب مورد انتقاد، از خواب بیدار میشود، تکانی میخورد، و حکم عدم "صلاحیت" جریان منتقد را صادر میکنند. چه دنیای سیاسی و شیرینی؟ چه سنت کمونیستی ای؟ چه پراتیک حقیقت جویانه ای؟ چه جدل سیاسی و نظری ای؟ واقعا دنیای زیبایی است!

این عکس العمل جریانی است که حوصله و دماغ پاسخگویی و نقد را ندارد. خسته و خانه نشین است. دوست ندارد کسی مزاحم حالش شود. اما این حکم را در مقابل محفل ورشکسته بهمین شفیق صادر نمیکند. ظاهرا این جریان دارای "صلاحیت" سیاسی لازم از جانب رهبران این جریان است. و این انتخاب هم چندان تصادفی نیست. محصول همان نزدیکی سیاسی ای است که به بهمین شفیق "اجازه" داده که مکنونات قلبی این حزب را برملا کند.

اما مقایسه پاسخهایی که ثریا شهابی و مظفر محمدی به بهمین شفیق داده اند با پاسخی که جمال کمانگر به آذر ماجدی داده است در خور توجه است. لحن و ادبیات بکار رفته و نوع استدلالات و احکام صادر شده جلگی بیانگر نزدیکی و مناسبات خانوادگی این جریان با محفل دو خردادی بهمین شفیق و شرکاء است. این هم گوشه دیگری از انتقال

مخمصه ای که حزب "حکمتیست" در آن گیر کرده است!

سیروان قادری

آذر ماجدی از فعالینی کمونیستی که هنوز حزب "حکمتیست" را ظرفی برای پیشبرد اهداف کمونیستی خود میدانند خواسته است که به فکر آینده کمونیسم و سرنوشت سیاسی خود باشند. تاکید کرده است که تداوم سیاستهای کنونی این حزب را به یک جریان در سنت ملی - اسلامیها با سیاستهای کاملا پاسیفیستی و از جنس "وحدت کمونیستی" تبدیل خواهد کرد. از فعالین کمونیست این حزب خواسته است که با حقیقت سیاسی حزبشان روبرو شوند. تجربه یک سال و اندی شان برای هر ناظر ابرکتیو ماهیت سیاستهای راست این جریان که در زوروق "پرولتاریا" پوشیده شده است، را روشن کرده است.

این حقیقت گویی نیز بر کادرهای "مومن" خط لیدر این حزب چندان خوش نیامده است. اشتباهات این فراخوان را به خودشان گرفته اند و بعضا در مقام پاسخگویی در آمده اند. آقای جمال کمانگر که لحن و ادبیات مستهجن شان معرف عام و خاص است، افاضاتی در این زمینه داشته است. ادعا کرده است که رهبران حزب اتحاد کمونیسم کارگری "صلاحیت" نقد این جریان و صدور فراخوان به کادرهای کمونیست، اگر چنین مقوله ای کماکان صادق باشد، را ندارند. این دیگر واقعا ژستی تماشایی است. راستش معلوم نیست از چه زمانی در سنت کمونیستی مرسوم شده است که پاسخ منتقد کمونیست را با حکم رد "صلاحیت نامه" میدهند. از قرار این هم یکی از سنتهای "نوین" این حزب مغشوش

حزب موسوم به "حکمتیست" در مخمصه بدی گیر کرده است. بهمین شفیق که همین چند ماه پیش از کورش مدرسی لیدر این حزب مدال تئوریک کمونیستی گرفته بود، اذعان کرده است که نزدیکی سیاستها و پراتیک این حزب سوسیال پاسیفیست به محفل دو خردادی ایشان بیشتر است تا به کمونیسم کارگری منصور حکمت و این جریان بهتر است شجاعت به خرج دهد و خود را از شر این تناقض خلاص کند. بلند پروازیها و گنده گوئی های این محفل بی نام و نشان و تقاضایشان از حزب "حکمتیست" برای کنار گذاشتن پوسته "کمونیسم کارگری" و "حکمت" در آستانه کنگره این حزب برای این جریان گران تمام شده است. انتظار نداشتند که به یکبار این رفقای جدیدشان این چنین از جوهر واقعی تزا و مباحث حاشیه ای شان پرده برداری کند.

آذر ماجدی در مقاله ای در نشریه "یک دنیای بهتر" اشاراتی به حقیقت نهفته در این ادعای محفل دوم خردادی بهمین شفیق کرده است. تاکید کرده است که علیرغم جایگاه متفاوت سیاسی و اجتماعی این جریان حاشیه ای و مضحک که احمدی نژاد را "نماینده" بخشی از کارگران میدانند این بار به حقیقتی اشاره کرده اند که حزب ما در چند سال اخیر بر آن تاکید کرده است و آن هم بی ربطی حزب "حکمتیست" به جنبش کمونیسم کارگری و کمونیسم منصور حکمت است. تاکیدات آذر ماجدی مصداقی بر این واقعیت است که یک ساعت خراب و از کار افتاده هم دو بار در روز زمان دقیق را نشان میدهد. ظاهرا این مساله در سیاست هم مصداقی دارد و گویای حال محفل بهمین شفیق است.

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم، بدون

“خطر” سوسیالیسم، به چه منجلابی

تبدیل میشود!

منصور حکمت

انقلاب و اصلاحات

سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر امر فوری جنبش کمونیسم کارگری است، انقلابی که کل مناسبات استثمارگر سرمایه داری را واژگون میکند و به مصائب و مشقات ناشی از این نظام خاتمه میدهد. برنامه ما، برقراری فوری یک جامعه کمونیستی است. جامعه ای بدون تقسیم طبقاتی، بدون مالکیت خصوصی بر وسائل تولید، بدون مزدبگیری و بدون دولت. یک جامعه آزاد انسانی متکی بر اشتراک همگان در ثروت جامعه و در تعیین مسیر و سرنوشت آن. جامعه کمونیستی همین امروز قابل پیاده شدن است. اما آن انقلاب عظیم کارگری ای که باید این جامعه آزاد را متحقق کند، بمجرد اراده حزب اتحاد کمونیسم کارگری رخ نمیدهد. این یک حرکت وسیع طبقاتی و اجتماعی است که باید در ابعاد و اشکال مختلف سازمان یابد. موانع گوناگونی باید از سر راه آن کنار زده شوند. این تلاش فلسفه وجودی حزب اتحاد کمونیسم کارگری و مضمون فعالیت هر روزه آن را تشکیل میدهد. اما در همان حال که این مبارزه برای سازماندهی انقلاب کارگری جریان دارد، میلیاردها انسان همچنان در تکاپوی هر روزه برای تامین معاش و آسایش خود در متن یک جهان سرمایه داری اند. مبارزه انقلابی برای برپایی یک دنیای نو، از تلاش هر روزه برای بهبود وضعیت زندگی مادی و معنوی بشریت کارگر در همین دنیای موجود جدایی پذیر نیست.

از نظر سیاسی، کمونیسم کارگری نه فقط سازماندهی انقلاب علیه نظام موجود را با تلاش برای تحمیل اصلاحات هرچه وسیع تر به آن در تناقض نمیبیند، بلکه حضور در هر دو جبهه مبارزه را شرط حیاتی پیروزی نهایی طبقه کارگر میداند. انقلاب کارگری انقلابی از سر فقر و استیصال و ناچاری اوضاع کارگران نیست. انقلابی مبتنی بر آگاهی و آمادگی مادی و معنوی طبقه کارگر است. هرچه توده مردم کارگر از آزادی های سیاسی وسیع تری برخوردار باشند، هرچه شخصیت و حرمت مردم بطور کلی و طبقه کارگر بطور اخص در جامعه تثبیت شده تر باشد، هرچه طبقه کارگر از رفاه و امنیت اقتصادی بیشتری برخوردار باشد و بطور کلی هرچه مبارزات کارگری و آزادیخواهانه موازین سیاسی و رفاهی و مدنی پیشروتری را به جامعه بورژوازی تحمیل کرده باشند، به همان درجه شرایط برای انقلاب کارگری علیه کلیت سرمایه داری آماده تر و پیروزی این انقلاب قاطعانه تر و همه جانبه تر خواهد بود. جنبش کمونیسم کارگری در صف مقدم هر مبارزه برای اصلاح موازین جامعه موجود به نفع مردم قرار دارد.

آنچه که کمونیسم کارگری را در مبارزه برای اصلاحات از جریانات و جنبش های رفرمیست، اعم از کارگری و غیر کارگری، متمایز میکند قبل از هر چیز اینست که اولاً، کمونیسم کارگری همواره بر این حقیقت تاکید میکند که تحقق آزادی و برابری کامل از طریق اصلاحات میسر نیست. حتی عمیق ترین و ریشه ای ترین اصلاحات اقتصادی و سیاسی نیز بنا به تعریف بنیادهای نفرت آور نظام موجود، یعنی مالکیت خصوصی، تقسیم طبقاتی و نظام کار مزدی را دست نخورده باقی میگذارند. از این گذشته واقعیت این است که، به گواهی کل تاریخ جامعه سرمایه داری و تجربه جاری کشورهای مختلف، بورژوازی در اغلب موارد به قهرآمیزترین شیوه ها در برابر به کرسی نشستن ابتدایی ترین مطالبات مقاومت میکند. و پیشروی های بدست آمده نیز همواره موقت و ضربه پذیر و قابل بازپس گیری باقی میمانند. کمونیسم کارگری، در دل مبارزه برای اصلاحات همچنان بر ضرورت انقلاب اجتماعی بعنوان تنها آلترناتیو واقعا کارساز و رهایی بخش کارگری تاکید میکند. ثانیاً، کمونیسم کارگری در عین دفاع از حتی کوچک ترین بهبودها در زندگی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی مردم کارگر در جامعه، وظیفه خود را طرح و مطالبه حقوق سیاسی و مدنی و رفاهی هرچه وسیعتر و هرچه پیشروتر میداند. جنبش ما در تعریف شعارها و خواست های خویش در مبارزه برای رفعم خود را به مقهورات و امکانات و قابلیت انعطاف طبقه سرمایه دار، به حساب سود و زیان سرمایه و مصالح "اقتصاد کشور" و امثالهم مقید و محدود نمیکند. نقطه عزیمت ما حقوق غیر قابل انکار انسان عصر ماست. اگر تحقق این حقوق، حقوقی نظیر حق سلامتی، حق آموزش، ایمنی اقتصادی، برابری زن و مرد، آزادی اعتصاب، حق دخالت مستقیم و دائمی توده مردم در حیات سیاسی جامعه، خلع ید از مذهب و غیره با سودآوری سرمایه و مصالح نظام سرمایه داری در تناقض است، این تنها شهادی بر ضرورت واژگونی این نظام است. جنبش ما در مبارزه برای اصلاحات دانما این حقیقت را جلوی جامعه و طبقه کارگر نمیگیرد. قصد ما در این مبارزه ایجاد یک سرمایه داری اصلاح شده، سرمایه داری با "چهره انسانی" یا یک سرمایه داری "دلسوز" نیست. قصد ما تحمیل بخش هرچه بیشتری از حقوق حقه مردم کارگر به نظام حاکم است. حقوق و خواست هایی را که بورژوازی با بقاء خویش ناسازگار می یابد و سرکوب میکند، طبقه کارگر همین امروز آماده است فوراً به جامع ترین شکل متحقق کند.

تمام فلاسفه تاکنون جهان را تفسیر کرده اند، حال آنکه مسئله بر سر تغییر آنست!

کارگران تابلیر

از اخراج و سرگردانی تا دستمزدهای معوق!

بنا به خبر دریافتی، هم اکنون بیش از ۲ ماه است که با تعطیلی کار و بهانه های سرمایه داران و عوامل کارفرما ۲۰۰۰ نفر از کارگران شرکت راه و ساختمان تابلیر را به مرخصی اجباری فرستاده اند. بهانه کارفرما این است که پول نداریم، شهرداری تهران پولهای ما را نمیدهد، پس کار را تعطیل می کنیم و کارگران با بد به مرخصی اجباری بروند! البته مرخصی اجباری اسم رمز و اسم محترمانه اخراج کارگران است. ۲ ماه پیش کارگران را به خانه هایشان فرستادند به امید روز موهومی که کارگران به سر کارشان باز گردند. در عین حال کارگران که در حال حاضر برای تامین ابتدایی ترین نیازهای روزانه خانواده هایشان با مشکل و بحران مواجهند، حداقل مبلغ ۲ ماه دستمزد و اضافه کاری مربوط به اوایل سال را دریافت نکرده اند.

این روزها بر اثر فشار بیکاری، بی درآمدی و فقر و محرومیت روز افزون، کارگران دسته دسته برای بازگشت به کار و نقد نمودن دستمزدهایشان به سرمایه داران و عوامل کارفرما در شرکت تابلیر مراجعه می کنند. اما تا امروز چیزی جز جوابهای سر بالا نشنیده اند. نه کارگری به سر کارش بازگشته و نه ریالی از دستمزدهای دزدیده شده کارگران به آنها مسترد شده است.

یکی از کارگران میگفت: عصبی شده ام. کابوس بیکاری، فقر و ناداری، ترس از فردا و شرمندگی در مقابل زن و بچه دیوانه ام کرده، چند ماه است اجاره خانه مان عقب افتاده، همیشه از ترس خودم را از صاحب خانه پنهان میکنم. برای به دست آوردن کار به هر خراب شده ای سر زده ام. باور کنید اکثر کارخانه ها و

مراکز تولیدی صنعتی جاده مخصوص و قدیم کرج را زیر پا گذاشته ام و به هیچ نتیجه ای نرسیده ام. فعلا دست فروشی میکنم با چه زجری! به همه اطرافیان قرض بار و بدهکار شده ام. با ۳۰ هزار تومان سرمایه بساط دست فروشی راه انداخته ام، آنهم باید از ترس ماموران سد معبر و دزد شهرداری فقط شبها بساط پهن کنم چون در روز هم کتک کاری می کنند و هم وسایل ناچیز دست فروشی مان را بالا می کشند و با خود می برند.

کارگران اخراجی تابلیر تنها ۲۰۰۰ نفر نیستند. این کارگران شرافتمند و زحمتکش که اکنون به همراه خانواده هایشان بطرز دردناک و فاجعه باری با فقر و بیکاری روبرویند، جمعیتی حدود ۱۰ هزار نفرند که به دلیل فساد مالی، دزدی و باند بازی عوامل حکومت اسلامی سرمایه داران در شهرداری تهران، دسته جمعی به گرسنگی محکوم شده اند. مسئول مستقیم و عاملین این سرگذشت تلخ زندگی کارگران، پاسدار کمیته چی های شکنجه گر و قاتل دیروز امثال سردار قالیباف شهردار امروز تهران تا سرمایه داران نوکیسه و انگل در شرکت تابلیر به همراه حکومت اسلامی هستند.

بازگشت به کار و دریافت فوری و بی قید و شرط دستمزدهای معوق، افزایش دستمزدها مطابق با تورم و هزینه های روزانه زندگی، یا کار یا پرداخت بیمه بیکاری مکفی، امنیت شغلی و حق تشکل و اعتصاب و هرگونه اعتراض علیه شرایط بردگی

کار و دستمزدها، از جمله خواسته های ابتدایی و مبرم کارگران اخراجی شرکت تابلیر است.

شرکت تابلیر (تابلین) مجری طرحی شبیه تونل میدان توحید تهران است. اجرای این پروژه جدید (تونل نیایش) که از یکسال پیش شروع شده مربوط است به احداث تونلی در اعماق ۴۰ متری زمین به طول بیش از ۱۰ کیلومتر. این تونل زیر گذر قرار است خیابان کارگر شمالی (بیمارستان قلب) را به اتوبان بابایی وصل نموده و به سمت شرق تهران و دماوند امتداد یابد. این کارگران با قراردادهای سفید امضا و یکطرفه و پایه دستمزد ۳۰۳ هزار تومانی در دو شیفت ۱۲ ساعته در عمق ۴۰ متری زمین جایی که نه اکسیژن و نه هوای

کافی برای تنفس موجود است و هر آن خطر ریزش آوارهای دهها تنی و مدفون شدن و جان باختن کارگر نیز هست مشغول به کارند. در حین استخدام از کارگران تعهد کتبی و امضا می گیرند مبنی بر اینکه همیشه دستمزدها با تاخیر پرداخت می شود و کارگر حق هیچ گونه اعتراضی ندارد. تا ۲ ماه پیش بیش از ۲۰۰۰ کارگر مجموعا در ۵ کارگاه مستقر و مشغول کار بودند و اکنون بعلت تعطیلی کار همه کارگران از کار اخراج و بیکار شده اند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۳۰ شهریور ۱۳۸۹ - ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۰

کارگران شرکت موج آسا

دستمزدهای پرداخت نشده!

بنا به خبر دریافتی، بیش از ۲۰ نفر از کارگران شرکت پیمانکاری موج آسا با وجود پیگیریها و اعتراضات تاکنونی خود، علیرغم وعده های امروز و فردای کارفرما، تا این لحظه موفق به دریافت دستمزد و مبالغ اضافه کاری مربوط به مرداد ماه گذشته نشده اند. این در حالیست که این روزها زمزمه هایی از جانب عوامل کارفرما به گوش میرسد که برای پرداخت دستمزدهای شهریور ماه نیز پولی در بساط ندارند.

یکی از کارگران میگفت: تا چند ماه پیش ۳۵ نفر بودیم. بتدریج و به بهانه های دروغ و بی اساس تا امروز ۱۵ نفر را بدون پرداخت هیچ حق و حقوقی اخراج نموده اند و هر وقت برای دستمزدهای پرداخت نشده مان اعتراض میکنیم، "قانع" مدیر شرکت برای ساکت کردن ما، سرگذشت کارگران اخراجی را به ما گوشزد میکند و تهدید میکند و تازگیها آنقدر مظلوم نمایی میکند که میگوید برای پرداخت دستمزد شما کارگران میخوام ماشینم را بفروشم؟! اما ما کارگرها خوب میدانیم جانورانی مثل قانع در سایه حکومت اسلامی با بالا کشیدن پولها و دستمزدهای ما برای خودشان زندگی های آنچنانی درست کردند، لفت و لیس مفصلی دارند و به ریش ما کارگران گرسنه میخندند.

شرکت پیمانکاری موج آسا با ۲۰ نفر کارگر قراردادی سفید امضا با قراردادهای یکطرفه و دستمزدهای ۳۰۰ هزار تومانی و سوابق کاری ۲ تا ۱۰ سال و ساعت کاری ۸ صبح تا ۵ عصر و اضافه کاری اجباری تا پاسی از شب و در روزهای تعطیل، طرف قرارداد و مجری برخی خدمات فنی اداره مخابرات منطقه ۵ تهران میباشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۹ شهریور ۱۳۸۹ - ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۰

دو فیلم از انفجار پتروشیمی پردیس عکسهائی از جانب‌باختگان

در تاریخ ۱۵ مرداد ماه طی اطلاعیه ای از انفجار یکی از لوله های گاز حین جوشکاری در یکی از پالایشگاه های عسلویه، پتروشیمی پردیس خبر دادیم. در این انفجار طبق خبر امروز ۵ نفر از کارگران جان باختند که اسم چهار نفرشان آرمان قهرمانی، مرتضی جمعه پور، کاظم شریفی، عزیز جهانگیری و سلیمان امیری است. تعدادی نیز زخمی شدند که حال یکی از آنها در همان ساعت اول وخیم بود.



هشدار!

دو فیلم ضمیمه، (در سایت حزب موجود است) یکی لحظاتی از مراسم یادبود و تشیع جانبختگان است و دیگری صحنه های بعد از انفجار. **فیلم بعد انفجار بشدت وحشتناک و فجیع است. ما توصیه نمیکنیم حتما ببینید. کسانی که نمیتوانند این صحنه ها را ببینند حتما نگاه نکنند. کودکان بویژه و قطعا نباید این فیلم را ببینند.**

این فیلم در عین دلخراش و فجیع بودن آن، نمایش دهنده واقیعت قصابخانه ها و کشتارگاه هائی است که در ایران "محیط کار" نام دارد. این جنایات را هم "حوادث محیط کار" نام نهاده اند. این فیلم وحشتناک تنها این واقیعت ساده را تاکید میکند که سرمایه در ایران روی چه دریای جنایتی تلمبار میشود. روی دوش منهدم شدن و تکه پاره شدن کارگران زحمتکش و شریف که جانشان برای سرمایه داران اسلامی پیشیزی نمی آرزو و هر روز در قصابخانه های ایران تعدادی شان قربانی سود و مطامع بی پایان سرمایه داران میشوند.

این وضعیت را باید خاتمه داد. این امر و کار طبقه کارگر است. از جمله باید کارگران بر استانداردهای ایمنی محیط کار کنترل داشته باشند و در هر جا که محیط کار ایمن نیست حق داشته باشند که کار نکنند و کارفرما و هیچ قدرتی نتواند وادار به کارشان کنند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۶ شهریور ۱۳۸۹ - ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۰

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



تحریم اقتصادی
یک سلاح کشتار جمعی است!

مجمع عمومی کارگری



کارگران در اعتراضات جاری به مجمع عمومی متکی شوید!
مجمع عمومی ظرف اعمال اراده مستقیم و مستمر توده
کارگران است! جنبش مجمع عمومی کارگری را تقویت و
گسترش دهید!

علیه گرانی و فقر!

وظایف فوری کمونیسم و طبقه کارگر ...

برافراشت.

۷ - حزب اتحاد کمونیسم کارگری توجه پیشروان طبقه کارگر، رهبران سوسیالیست و کمونیست طبقه، فعالین اردوی آزادی و برابری و رفاه را به این اوضاع خطیر جلب میکند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را به متشکل شدن و مقابله با موج فقر و فلاکت و گرانی علیه نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی فرامیخواند!

مصوب پلنوم سوم حزب به اتفاق آراء،

ژوئن ۲۰۰۸

رادیو ماهواره ای ۲۴ ساعته

یک دنیای بهتر

رادیو ۲۴ ساعته "یک دنیای بهتر" برنامه های رسمی خود را از طریق ماهواره و اینترنت از روز ۱۳ مرداد ۱۳۸۹ برابر با ۴ اوت ۲۰۱۰ آغاز کرده است. لطفا مشخصات رادیو را به اطلاع عموم برسانید و ما را از کیفیت پخش مطلع کنید.

مشخصات رادیو ماهواره ای یک دنیای بهتر:

Satellite: TelStar 12 , Transponder: 10 ,
Horizontal: QPSK 2/3 , Symbol Rate:
19279

سایت رادیو:

<http://www.wupradio.org>

ای میل جدید رادیو:

wup1917@mail.com

"صدای کمونیسم کارگری" برنامه حزب اتحاد کمونیسم کارگری هر شب ساعت ۹ به وقت تهران از کانال رادیو یک دنیای بهتر پخش میشود.

به "صدای کمونیسم کارگری"، صدای کارگران کمونیست، صدای آزادیخواهی و برابری طلبی زنان و نسل جدید، صدای متعهد به حقیقت و مقابله با خرافات و ارتجاع سیاسی، صدای مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد یک جامعه آزاد و خوشبخت سوسیالیستی گوش کنید و شنیدن آن را به دوستانتان توصیه کنید.

اطلاعیه دوم 10 اکتبر روز جهانی علیه اعدام

فراخوان عمومی!

10 اکتبر روز اعتراض وسیع علیه اعدام، علیه رژیم اسلامی

10 اکتبر روز جهانی مبارزه علیه اعدام است. این روز فرصت مناسبی است برای سازماندهی یک اعتراض وسیع نه تنها علیه مجازات غیر انسانی و قرون وسطایی اعدام، بلکه علیه رژیم صد هزار اعدام اسلامی. "اعدام قتل عمد دولتی است" بهترین توصیف از این آدمکشی سازمانیافته است. مجازات اعدام، علیرغم اعتقاد برخی، جنایت را کاهش نمی دهد، بلکه موجب افزایش خشونت می شود. برای ایجاد یک جامعه انسانی تر باید مجازات اعدام ملغی شود.

تاریخ دولت های سرکوبگر از مجازات اعدام بمنظور سرکوب مخالفین بهره جسته اند. برقراری یک نظام مختنق و سرکوبگر محتاج اعدام است. رژیم اسلامی بهترین نمونه این واقعیت دردناک است. فقط در دهه شصت این رژیم جنایتکار حدود صد هزار انسان را در زندان های مخوف خود اعدام کرده و در گورهای دستجمعی و ناشناس مدفون نموده است. باید این رژیم جنایتکار را به زیر کشید و تمام سران آن طی سی و یک سال گذشته را بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه کرد. این تنها راه تسلائی نسی میلیون ها داغیده است. محاکمه سران نظام اسلامی اجرای گوشه ای از عدالت است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری تمام سازمان های چپ، سوسیالیست و آزادیخواه و تمام افراد انسان دوست را فرا می خواند که روز 10 اکتبر را به یک روز اعتراض وسیع علیه مجازات اعدام و رژیم اسلامی بدل کنند. در هر شهری که هستید، تجمع کنید و صدای اعتراض خود را بگوش جهانیان برسانید. اطلاعات مربوط به تظاهرات خود را به ما اطلاع دهید تا از طریق رادیوی 24 ساعته یک دنیای بهتر، تلویزیون یک دنیای بهتر، نشریه و سایت حزب به اطلاع عموم برسانیم.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۲ سپتامبر ۲۰۱۰ - ۳۱ شهریور ۱۳۸۹

"علیه جنگ،

علیه جمهوری اسلامی،

برای آزادی و رفاه همگان!"

در مقابل آن ارائه دهند. واقعیت اینست که شورش علیه فقر و گرسنگی، بدون سازمان و بدون رهبری و بدون تشکل و آمادگی و افق روشن سیاسی در مقیاس سراسری، به تحرک و اعتراضی کور تبدیل میشود. نتیجه چنین وضعیتی، علیرغم حقانیتی که دارد، سرکوب و شکست است. ارکان سیاست و تاکتیک حزب در مواجهه با این اوضاع، متشکل کردن توده طبقه کارگر و مردم گرسنه علیه فقر و فلاکت، ترسیم افق و تامین سازمان و رهبری، بعنوان سه رکن مهم تضمین پیشروی و پیروزی است. تبدیل شورش کور به شورش آگاهانه و سازماندهی اعتراض علیه وضعیت موجود درگرو تامین این سه رکن اساسی است.

۶ - کمونیسم و طبقه کارگر باید در راس مبارزه علیه فقر و گرسنگی و وضعیت فلاکتبار اقتصادی قرار گیرند. در این مبارزه یک هدف استراتژیک ما خارج کردن کنترل پروسه تولید و توزیع کالاها و اقلام مورد نیاز پایه ای مردم از مکانیزم و تسلط بازار است. دسترسی و برخورداری از غذا و آموزش و بهداشت و سلامتی، نه یک امتیاز ویژه طبقات دارا، بلکه حق پایه ای همگان و هدف عمومی ما در این مبارزه است. هر انسانی به محض چشم گشودن به این جهان باید از تمامی نیازهای انسانی برخوردار شود. از اینرو مبارزه برای وادار کردن دولت سرمایه به دادن سوبسید به اقلام مورد نیاز زندگی مردم و تامین بیمه های اجتماعی رکن دیگر سیاست ماست.

ایجاد سازمانهای توده ای علیه فقر، برگزاری مجامع عمومی کارگری در مراکز مهم تولید مواد غذایی و نیازهای مردم، برگزاری مجامع عمومی در محلات کارگری و فقر زده، سازمان دادن ایجاد شبکه های متنوع علیه گرسنگی و فقر، شرط اساسی پیشبرد چنین استراتژی و سیاستی است. باید در هر گوشه جامعه پرچمی علیه فقر و فلاکت اقتصادی

صفحه ۱۵

علیه گرانی و فقر! وظایف فوری کمونیسم و طبقه کارگر

طبقه کارگر، نظام سرمایه داری را مسبب مستقیم فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی و گرسنگی و مصائب اجتماعی ناشی از آن میدانند. رژیم اسلامی، حکومت مشتی کانگستر سیاسی- نظامی و باندهای اقتصادی مافیایی است که بر تمام امکانات جامعه چنگ انداخته اند. مساله این نیست که گویا "مافیای اقتصادی" نمیگذارد دولت کارش را بکند و نتیجتاً این وضعیت پیش آمده است. این حکومت مافیایی سرمایه و اسلام در ایران است. سران رژیم اسلامی خود از بزرگترین سران مافیای اقتصادی در ایران هستند. کارگران و مردم گرسنه در این جدال نباید به دنبالچه کشمکش و رقابت بخشهای مختلف سرمایه تبدیل شوند. کمونیسم و طبقه کارگر بر استقلال طبقاتی اش از سرمایه و جناحهای دولتی و غیر دولتی بورژوازی، بر جنبش و راه حل مستقل اش، و بر مطالبات و نیازهای فوری خود و اکثریت عظیم مردم در مقابله با این اوضاع تاکید میکند. مبارزه علیه فقر، در عین حال که مبارزه ای برای رفع نیازهای فوری کارگران و مردم است، در عین حال جبهه مهمی از مبارزه علیه حکومت و قدرت سیاسی و اقتصادی سرمایه در ایران است. این دوره ای است که بیش از هر زمان کارگر و اعتراض و مطالبات کارگری جایگاه مهمتری در سیاست و نگرش و سمتگیری سیاسی توده مردم مخالف رژیم اسلامی پیدا میکند.

۵ - مبارزه و اعتراض علیه این شرایط دهشتناک یک واقعیت انکار ناپذیر است. اعتراض و شورش علیه وضعیت موجود یکی از اشکال محتمل اعتراض در چنین وضعیتی است. اما در این شرایط مخاطراتی مبارزات طبقه کارگر و جنبش آزادی و برابری و رفاه را تهدید میکند که کمونیسم و کارگران پیشرو و سوسیالیست باید آنها را بشناسند و راه حل واقعی و عملی

اسلامی برای بزانو درآوردن کارگران و مردم زحمتکش است.

۳ - نه فقط جمهوری اسلامی، بلکه دیگر نیروهای بورژوازی اپوزیسیون نیز راه حلی ریشه ای برای نابودی فقر ندارند. وعده بهبود این اوضاع را نمیدهد، بلکه چند نسل از کارگران را به جان کندن برای بازسازی سرمایه داری و "خرابیهای ناشی از عملکرد حکومت اسلامی" فرا میخواند. جریانات ملی-اسلامی اپوزیسیون مسئله فقر و گرانی را ابزاری در خدمت جنگ جناحی می بینند و عموماً سیاستهای ناسیونالیستی را مطرح میکنند. برخی از جریانات "چپ رایکال" یا گسترش فقر را ابزاری در خدمت شورش و عصیان مردم علیه رژیم تلقی میکنند یا با طرح سیاستهای آنارکوپاسیفیستی از سازماندهی توده ای و کارگری علیه فقر طفره میروند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری مبارزه علیه فقر و فلاکت و گرانی را مبارزه ای حیاتی علیه نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی و جزیی از مبارزه بیوقفه برای بهبود دائمی معیشت طبقه کارگر و مردم میدانند. بدرجه ای که طبقه کارگر و جنبشهای اعتراضی بتوانند حاکمیت سرمایه و رژیمشان را در تحمل فقر و فلاکت بیشتر عقب برانند، به همان درجه شرایط برای سرنگونی رژیم اسلامی و برپایی یک انقلاب عظیم کارگری علیه وضع موجود فراهم تر میشود.

۴ - حزب اتحاد کمونیسم کارگری و جنبش سوسیالیستی

۱ - گسترش فقر و فلاکت، گرسنگی و سوتغذیه، گرانی سرسام آور و ناتوانی اکثر مزدبگیران جامعه از تامین نیازهای پایه ای خویش، گسترش بیکار سازیها و اخراج گسترده کارگران، افزایش کار قراردادی و سفید امضا، گسترش وسیع شرکتیهای پیمانی که کمترین دستمزدها را به کارگر میپردازند، فقدان سیستم رفاه اجتماعی و عدم دسترسی مکفی به بهداشت و درمان و آموزش و مسکن، جامعه را در آستانه یک بحران عمیق سیاسی و اجتماعی قرار داده است. در شرایطی که فقر و گرانی کمر مردم را خرد کرده است، و مردمی ناراضی و منزجر هر روز بیشتر قربانی این اوضاع میشوند، شورش گرسنگان علیه وضع موجود یک چشم انداز واقعی است. وظیفه فوری جنبش کمونیستی کارگران، سازماندهی این پتانسیل اعتراضی طبقه کارگر و مردم زحمتکش و تبدیل آن به جنبشی خودآگاه و انقلابی علیه سرمایه داری و نظام اسلامی حاکم است.

۲ - با تشدید گرانی و گسترش فقر و بروز پیامدها و مصائب اجتماعی ناشی از آن، جناح های مختلف بورژوازی تلاش میکنند یکدیگر را مسبب این اوضاع فاجعه بار قلمداد کنند. تز مقابله با "مافیای اقتصادی"، نقد به "واردات بی رویه"، سیاست "حمایت از تولیدات داخلی" و کلا دیدگاههای ناسیونالیستی و پروتکشنیستی، نه نسخه ای برای درمان این اوضاع بلکه تلاشی آگاهانه برای خارج کردن مسبب واقعی این وضعیت، یعنی نظام سرمایه داری و کل حکومت مرتجع اسلامی از تیررس تعرض و اعتراض کارگران و مردم گرسنه است. در عین حال طرح این سیاستها تلاشی برای پاسحگویی به فشار پائینی ها از جانب بالائی ها است که به سهم خود به جدال درون حکومتی برسر کنترل اوضاع و نفس بقای حکومت دامن میزند. جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه میتواند این اوضاع را تخفیف دهد. تحمل فقر و فلاکت یک سیاست رژیم

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!